

ن

ت وکلتور

Ketabton.com



اختصار وقایع مهم هفته

درداخل

با قرائت پیام ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تجلیل از هزارو صد مین سال تولد حکیم ابونصر محمد فارابی که یکی از چهره های تابنده علم و فرهنگ کشور عزیز می باشد روز سی میزان طی محفل علمی افتتاح گردید .

محفل ساعت ده صبح با قرائت چند آیت از کلام الله مجید در تالار بزرگ رادیو افغانستان آغاز گردیده و پس از آنکه سرود ملی نواخته شد پیام مؤسس جمهوریت ښاغلی محمد داؤد بمناسبت افتتاح این مجلس علمی توسط پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور قرائت گردید .

در جلسات قبل از ظهر و بعد از ظهر ۲۲ میزان سیمینار فرهنگی افغان و هند در طول قرون بیانیه ها و مقالاتی پیرامون ادب و پشته نقش افغانستان در ورود و انتشار زبان دری در هندوستان و یک سلسله موضوعات دیگر مربوط به دو کشور توسط دانشمندان افغانی و هندی ایراد گردید .

بامصرف یک میلیون و دو صد و پنجاه هزار افغانی برای اهالی قریه های پاچا صاحب و شینه ولایت کابل آب مشروب صحتیه تهیه گردیده است .

جمعیت افغانی سره میاشت در سال گذشته ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار افغانی در داخل و هژده هزار



ښاغلی رئیس دولت و صدر اعظم هنگامیکه اعتماد نامه سفیر کبیر جمهوریت مردم بلغاریا را در قصر ریاست جمهوری می پذیرند.

دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا روز ۲۸ میزان ملاکرات خود را درباره مسائل مورد علاقه با مقامات حکومتی جمهوریت مردم چین در پکنک آغاز کرد .

کنفرانس (قوانین جها نی) در واشنگتن پایان یافت .

درین کنفرانس نظر خاصی به وضع قوانین برای زنان وجود داشت .

کنفرانس (قوانین جهانی) همه ساله در همین موقع دایر میشود ولی برای اولین بار امسال درین کنفرانس این موضوع جای عمده داشت که چگونه می توان قانون رادر خدمت تحصیل حقوق زن مورد استفاده قرار داد .

در شهر پانامه مرکز کشور امریکا ای پانامه یکی از مهم ترین گام ها بسوی تاسیس بازار مشترک امریکای لاتین برداشته شد .

یعنی نمایندگان (۲۳) کشور امریکای لاتین اساسنامه یک سیستم اقتصادی جدید را امضا کردند .

انور السادات رئیس جمهور مصر بار دیگر بر علیه خطرات ناشی از سرازیر شدن سلاح های مدرن امریکایی با اسرائیل هشدار داده است .

ایگال الون وزیر خارجه اسرائیل نسبت به تعهداتی امریکا برای تقویه نیرو های آن کشور داده اظهار رضایت کرد .

دالر در خارج کشور طی یکسال اخیر به آسیب رسیدگان نقدا و جنسا مساعدت کرده است .

بروتوکول تمویل یکمده پروژه های افغانی در تهران امضاء شد .

در خارج

والری ژیسکار دستن رئیس جمهور فرانسه روز ۲۶ میزان پس از یک اقامت رسمی پنج روزه در اتحاد شوروی از مسکو عازم پاریس شد در یک اعلامیه سیاسی مشترک که توسط ژیسکار دستن و لیونید بریژنف سر منشی حزب کمونیست اتحاد شوروی امضا شده هر دو طرف خواهان یک کنفرانس بین المللی برای خلع و سلاح توسط تمام قدرت های ذروی و توسعه دیتانت شرق و غرب تا ساحات نظامی شدند .



پوهانو دکتور غلام صدیق مجبسی رئیس پوهنتون کابل هنگام ایراد بیانیه به مناسبت هزار و صد مین سال تولد ابو نصر فارابی در جلسه افتتاح مجلس علمی روز ۳۰ میزان

خبریه

سیمینار مدیران معارف ولایات کشور دیروز در تالار شوونگی تخنیک ثانوی افتتاح گردید. در مجلس افتتاحیه سیمینار پس از آنکه چند آیت از قرآن عظیم الشان قرائت گردید و سرود ملی نواخته شد پوهاند عبدالقیوم وزیر معارف طی بیانیته گفت: باساس رهنمایی های شاعلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم اخیرا تقریرانی در سیستم معارف بوجود آمده و در نظراست در روشنی این تحولات پروگرام های صحیح و درست تربیتی وضع شود که دارای جنبه های عملی بوده و بطور متداوم موازی بانکشاف درستگور های مختلف دیگر جریان داشته باشد.

وزیر معارف ضمن شرح مبسوطی پیرامون هدف تعلیم و تربیه در کشور در پرتو ریغورم بنیادی معارف توضیحات داده گفت: پیپود امور معارف به تماسها و مشوره های نزدیک و بیهم در زمینه ضرورت دارد و ایجاب می کند تا همچو سیمینار ها، کنفرانسها و ورکشاپها بمقصد تفاهم بیشتر تدویر گردیده و زمینه تطبیق ریغورم معارف به حسن صورت انجام پذیرد.

وزیر معارف در ختم بیانیته اش از همکاری اداره یونسف در تدویر سیمینار اظهار تشکر نموده و ابراز امیدواری کرد تا نتایج سیمینار مفید و موثر واقع گردد.

در مراسم افتتاح معین های معارف، رئیس پوهنتون، روسای بعضی از پوهنځی ها و دوایر مختلف وزارت معارف، مدیران لیسه ها و مکاتب شهر اشتراک ورزیده بودند.

خبرنگار باختر علاوه میکند که سیمینار مدیران معارف ولایات کشور تا اول عقرب دوام میکند و طی جلسات آن روی موضوعات مربوط به ریغورم معارف و تطبیق آن مطالعه طرق بهتر ساختن سویه تعلیمی شاگردان با وسایل دست داشته و یک سلسله مسایل مورد علاقه بحث و مذاکره صورت خواهد گرفت.

کمیته های مربوط به جلسه سالانه مدیران معارف ولایات روی موضوعات اختصاصی در تخنیک ثانوی به بحث و مذاکره ادامه دادند. در کمیته تعلیمات ابتدایی مسوده لایحه جدید امتحانات مکاتب، در کمیته تعلیمات ثانوی مسایل امتحانات و طرز بهتر ساختن روشن آن، در کمیته تعلیمات مسلکی مسوده مقررات، اهداف لایحه و پروگرام های کورسهای حرفوی در کمیته تربیه معلم، تربیه معلمان مکاتب ابتدایی، ثانوی مطابق سیمیه معینه و ارتقای سویه تعلیمی معلمان که از صنف ۱۲ و ۱۳ فارغ شده اند مطرح شده و تصامیمی اتخاذ شد.

همچنان در کمیته اداری روی موضوعات مربوط بحث بعمل آمد.

پوهنوال ولی الله سمیعی معین دوم وزارت معارف در مباحث کمیته ها اشتراک داشت.

گرفته نمی تواند در صدد معا لجه این حوادث برآیند. بدینتر تیب برای معالجه و کمک برای کسانی که حوادث و ناگواری های طبیعی بیچاره شان میسازد، جوامع بین المللی چون هلال احمر، صلیب احمر و شیر- خور شید سرخ تاسیس یافت تا به آسیب رسیده گان کمک و معاونتی صورت بگیرد.

اگر چه اکنون مادر پایان هفته سره میاشنت، که هفته خیراندیشی، کمک و نیکو کاری به بیوانان است، قرار داریم، باز هم لازم است متذکر شویم که خیر خواهی و کمک به هم نوع و همکاری با موسسات خیریه از وظایف عمده یک انسان است.

این تعاون و همکاری نباید در محدوده زمانی هفته سره میاشنت با قسی بماند بلکه همکاری برای مصیبت رسیده گان و مستحقان از جمله رسالت های است که باید توانگران همیشه در مدنظر داشته باشند. باید متذکر شد که هنوز در مرحله

از تاریخ قرار داریم که انسا نهادر جوامع غیر متجانس زندگی میکنند و هنوز در پیشرفته ترین اجتماعات بسیاری از مردم نا دار و ناتوان اند.

و بیهمین ترتیب در برابر این ها مردمان توانگر قرار دارند. این موضوعی است که بر همه چون روز روشن است. بیهمین سبب است که باید بخاطر حسن انسا نیت و بشر دوستی انسانهای توانگر به اشخاص

بیچاره و مستحق کمک کنند. منظور ما در این چند سطر اینست که همانطور که ریکه موسسات خیریه و وظیفه دارند تا به اشخاص آسیب دیده و مصیبت رسیده کمک نمایند این وظیفه و مسؤ لیت بدوش هر انسان با عاطفه هم است. چنانچه، شاعلی- محمد داود رئیس دولت و صدراعظم در پیام شان به مناسبت هفته مخصوص سره میاشنت میفر مایند: هفته مخصوص سره میاشنت نه تنها کار گران و مر بو طین جمعیت افغانی سسرره میاشنت را بیش از پیش متوجه و جایب انسانی شان میگرداند، بلکه فرصت آنرا میدهد تا مردمان نوع دوست و باعاطفه مادرین ایام غر خنده و خیریه سسهم شوند و روحیه تعاون شانرا بیش از پیش که از سجایای عالی اسلامی و لازمه حیات اجتماعی است، در یک سطح عالی تری تقویه نمایند.

سپیک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان مساعی جمعیت های صلیب احمر بین المللی، هلال احمر ها و شیر خورشید سرخ را در گذشته و آینده میساید و متوجه آنست که موسسه افغانی سره میاشنت بیشتر تقویه یابد. تا بتواند فعالیت خویش را بیش از پیش با فعالیت این سازمانها توحید بخشد.

از بیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه اول عقرب ۱۳۵۴ - ۱۸ شوال ۱۳۹۵ - ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۵

هفته سره میاشنت

انسان با همه توانایی و نیرویی که در اختیار دارد و توانسته است به قدرت علم و تکنالوجی از بسیاری حوادث پیشگری نموده و قوای سر- کش و لجام گسته ای طبیعت رامهار زند و برای استفاده بشریت قرار دهد. ولی با وجود این در برابر بسیاری حوادث و وقایع ناتوان و بیچاره است. همین بیچاره گی انسان در برابر بسی وقایع طبیعی و غیر طبیعی است که باعث بروز حوادث دلخراش و ماجرا های شگفت انگیز در تاریخ زندگی انسان میشود. بروز بلا های طبیعی بر همگان واضح است که با وجود تلاش فراوان بشر هنوز هم بطور غیر متر قبه حادث میشود و افراد یک منطقه را دچار بیچارگی و بدبختی های اندو ناک میسازد. بیهمین ترتیب وقایع غیر طبیعی یعنی حوادث که ساخته و پرداخته همین انسان قرن بیست و متمدن است نیز

پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم

بمناسبت یادبود ابو نصر محمد فارابی

پالیسی کلتوری دولت جمهوري افغانستان واز جمله موثر ترين عوامل رشد فرهنگي است .

اميد و ارم تحقيقات و مباحثات علمي اين مجلس در باره زندگي و آثار و افكار معلم ناني سيم بزرگ اوراد و نشر فرهنگ و معارف بشري بيش از پيش روشن کنند . حق آن دانشمند بزرگ به خود بي ادا شود .

توفيق دانشمنداني را که در اين کار برارزش علمي اشتراک دارند آرزو مينمايم .

۳۰ میزان ۱۳۵۴

وی که خود او آنها را در ضمن بیشتر از یکصد جلد کتاب و رساله گنجایده است نمایانگر سهم زیاد وی در پیشرفت علم و دانش بشری است .

تجلیل و یاد بود چنین شخصیت گرانمایه از طرف وزارت اطلاعات و کلتور که به قول مودخ معاصرش ابن الندیم از فاراب خراسان بوده و به گفته امام غزالی در میان فلاسفه اسلام هیچکس به پای او و ابن سینا نرسیده است در حقیقت تجلیل و قدر دانی علم و معرفت می باشد که این خود یکی از اهداف

وی حل نموده اند .

نظرات و آراء ابو نصر فارابی در اخلاق و سیاست که حسن اخلاق را حاصل دانش و سر آغاز سعادت انسانی می دانست و همکاری و تعاون ارادی افراد جامعه را برای تنظیم حیات و حفظ جامعه ضروری می شمرد هنوز هم بعد از گذشت بیش از هزار سال مایه تحسین صاحب نظران است و او را در صف اول بنیاد گذاران تمدن بشری قرار میدهند و بر همین قیاس سایر اندیشه های فلسفی و ابتکارات علمی

تشکیل مجلس و قدر دانی از ابو نصر فارابی مایه خوشی همه کسانی است که به دانش و اندیشه های انسانی بنظر احترام و قدر دانی می نگرند . بدون تردید ابو نصر فارابی یکی از چهره های تابنده علم و فرهنگ این سر زمین باستانی است که به بلند ترین مقام اندیشه انسانی راه یافته است .

دانشمندانی چون ابو سلیمان منطقی سیستانی و ابو علی ابن سینای بلخی کسانی بودند که از مکتب فکری ابو نصر فارابی استفاده کرده و مشکلات علمی خود را از طریق مطالعه آثار و تالیفات

متن بیانییه پوهاندد کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور

در مجلس علمی تجلیل از ابو نصر محمد فارابی

جای مسرت است که پس از تجلیل سته تن از سر آمدان جهان علم و ادب، مولانا جلال الدین بلخی، بایزیدروشان و امیر خسرو بلخی، که در سال گذشته به پیروی از پالیسی کلتوری دولت جمهوری صورت گرفت.

اینک مجلس علمی تجلیل از یک فرزند دیگر افغانستان یعنی معلم نانی ابو نصر محمد فارابی که از بزرگترین فلاسفه اسلام و تربیت یافتگان مکتب فکری خراسان است، با اشتراک عده ای از دانشمندان و محققان برگزار می شود.

ابو نصر فارابی که هزار و یکصد سال شمسی از ولادتش و هزار و بیست و پنج سال شمسی از وفاتش می گذرد از جمله دانشمندان عالیه قدریست که در گسترش علم و فضیلت و جهان سیم بزرگی داشته است تا آنجا که وی را معلم نانی لقب داده اند . و بطوریکه حضار محترم می دانند لقب معلم لقبی است که تا زمان فارابی تنها به ارسطو فیلسوف بزرگ یونان اختصاص داشت و پس از آنکه فارابی را نیز شایسته این لقب تشخیص دادند، ارسطو را معلم اول و او را معلم ثانی خواندند.

زندگانی فارابی، در دوران

او و نبوغش در تحقیق و ابتکار دلالت می نماید .

فارابی اولین کسی است که به تالیف یک دایرة المعارف علمی بنام (احصاء العلوم) اقدام نمود و دانش های زمان خود را یکایک تقسیم، توضیح و تعریف کرد و همین کتاب که خوشبختانه موجود است، دو بار در قرن هفدهم میلادی به لاتینی ترجمه شد و در اروپا بسیار مورد توجه واقع گردید و سبب شد که دانشمندان آن سر زمین در جستجوی سایر آثار وی برآیند و به ترجمه و نشر آنها پردازند.

معلم نانی در نشر فلسفه و علوم عقلی و آشنا ساختن دانشمندان اسلام به افکار فلاسفه یونان بیشتر از هر کس شایستگی به خرج داد و بسا نوشتن کتابهای متعدد در توضیح و تفسیر اندیشه های ارسطو و دیگر فلاسفه توانست راهی را در جهان فکر بشر باز کند که پس از او نخست ابو سلیمان منطقی سیستانی و سپس ابن سینای بلخی آن راه را ادامه دادند .

تجلیل و قدر دانی و نیز

طالب علمی او برای همه دوستانان فرهنگ و دانش، نمونه و سرمشقی عالی از همت و کوشش و علاقه به درک و فهم موضوعات علمی می تواند باشد زیرا به طوریکه نوشته اند او کتاب سماع طبیعی ارسطو را بیش از چهل بار خواند تا منظور مصنف را به خوبی دریافت و هم گویند، در نسخه ای از کتاب النفس ارسطو یادداشتی به خط او دیده شد که حاکی از صد بار مطالعه آن کتاب بوده است . و او باین چنین شوق و علاقه به دانش توانست بر تمام علوم که در آن عصر مرسوم و مروج بود احاطه پیدا کند و به تالیف و تصنیف شروع نماید، چنانکه تعداد تصنیفاتش در اخلاق در سیاست، در ریاضیات، در موسیقی، در ادب، در طب در منطق و حکمت و در همه دانشهای مرسوم آن زمان، به یکصد و سه کتاب بالغ میشود که اگر چه امروز بسیاری از آن کتابها موجود نیست ولی آنچه باقی مانده است بر کمال فهم و وسعت دامنه اطلاعات

تحقیق و جستجو در احوال و آثار دانشمندی چون ابو نصر فارابی که سیم بزرگ و مهمی در استحکام بنیاد فلسفه و علوم عقلی در تمدن اسلامی دارد گذشته از اینکه در حکم ادای حقی است که دانشمندان می مانند او به گردن همه علاقه مندان علم و فرهنگ دارند، ازین بابت هم در خور توجه و سودمند است که تسلی جوان را به ارزش علم و اهمیت عالم در جامعه متوجه می سازد و علاوه بر آن سبب میشود تا همان طور که به آینده بناک خود و وطن و جامعه خویش علاقه دارد، گذشته بر افتخار را نیز فراموش نکند و خلقه اتصال گذشته و آینده باشد.

خوشبختانه میدان تحقیق در احوال و آثار فارابی وسیع است و شک نیست که دانشمندان شرکت کننده در این مجلس علمی از نتایج تحقیقات و مطالعات خویش مطالب سودمند و ارزنده ای به علاقه مندان فرهنگ و معرفت هدیه خواهند کرد .

به آرزوی سعادت دایمی هموطنان عزیز و آبادی روز افرون کشور در پرتو نظام مردمی جمهوریت، مجلس تجلیل و قدر دانی از معلم نانی را افتتاح میکنم.

پیام‌نخوانندگان

بامراجعه به گذشته می بینم در اجتماع ما زنان همیشه در پهلوی تریه سلیم فرزندان شان و وادسی از امور خانواده همیشه همش مردان مشغول خدمت به اجتماع بوده و کرامت انسانی شان بی‌حیث بامراجعه به گذشته می بینم در اجتماع عضو فعال اجتماع در حدود مقتضیات و خواسته های جامعه محفوظ بوده است.

باخوشی باید یاد کرد که پانزده سال پیش از امروز نهفت نسوان بنابر ضرورت عرصه و زمان برای سهم گیری فعالانه خواهران افغانی در انکشاف کشور اساس گذاشته شد آرزوی یگانه ازین اقدام آن بود تا همه خواهران افغانی همش برادران شان در خدمات اجتماعی سهم بگیرند و در حدود عدالت انسانی و قوانین اجتماعی از حقوق مدنی خویش بر خوردار باشند.

خوشبختانه اکنون می بینم این نهفت به همکاری زنان منور به موفقیت دنبال میشود و در حدود امکان، زنان افغان همش برادران شان در ساحات مختلف انکشافات ملی مشغول کار و خدمت اند.

خواهران و دختران عزیز!

نباید ناکفته گذاشت که افراد در هر چه باشد نتیجه خوب ندارد تقلید ظاهری و بیجا و تجمل پسندی بعد مبالغه که متناسب به سویه اقتصاد و روحیه انقلابی ملی مانع باشد نور نمیکم بسیار معقول و پسندیده باشد لذا غور و تعمق داوطلبانه شما خواهران و دختران با احساس و وطن پرست رادر این موضوع که نباید بسیار کوچک و بی اهمیت تلقی شود جلب میکنم و امیدوارم راه معقولی برای اصلاح آن جستجو نماید.

یقین دارم ساحه این همکاری روز بروز وسعت می یابد و زنان افغان با شجاعت و مقام خاص شان در گردانیدن چرخ اجتماع با مردان سهم فعالانه میگیرند.

در جامعه ما چون سایر جوامع رو با انکشاف در پهلوی سایر موانع موضوع بیسوادی و وجود یک سلسله رسم و رواجهای بیجا هنوز در برابر تثبیت حقوق زنان و سهم گیری واقعی شان در خدمات اجتماعی قرا ر دارد.

اما محققا طرح یلانهای جامع و تنویر بیسم و وسیع اجتماع، مشکل ما و جوامع مشابه را در دین زمینه حل خواهد کرد.

دین شماره

صنایع افغانستان در مارکیت های جهان	ص ۶	رپور از : نوری
حوادث دلخراش ترافیکی	ص ۸	مزارش از: گل احمد زهاب
میرزا قلم ها	ص ۱۰	رپور از : م. فلونیا
محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن ...	ص ۱۲	ترجمه: ع. د
آیا هولیود هنوز زنده هست ؟	ص ۱۴	ترجمه از: روز
ازدواج مجدد الیزابت تیلور ...	ص ۱۶	ترجمه از: پرومند
زنان و برابرم های اجتماعی	ص ۱۹	نوشته : راحله راسخ
دعینی سوغات	ص ۲۰	دعنت یار ژباړه
هم زورنالیست هم هنرپیشه	ص ۲۲	ترجمه : زلیخا نورانی
اولین خانه که با انرژی	ص ۲۸	ترجمه: حبیب الله حبیب فرهمند
راکسن و ادامه حیات	ص ۲۹	ترجمه : بوهندوی گوهری
اساسات آموزش لغت	ص ۴۰	ترجمه : عبدالجانی هبا
حسادت	ص ۴۲	ترجمه: صدیقی
خوجه خس پول کرد	ص ۴۶	دالف ، الف ژباړه





جسد جوانی که در شاخ مقابل سرویس گیرمانده

ستوديوم ميرسد، به شدت، باریکشایی تصادم میکند، ریکشا، در زیر سینه غول پیکر سرویس در هم میریزد، مردی در میانش اسیر میماند می کنند

منبع می افزاید :

سایتته عراجات ولایات دیگر که به کابل می آید، موتر های جهانگردان ، وسایط ترانسپورت های بین المللی نیز، بر این ارقام باید افزوده شود ...

بناغلی میرمحمد سعید واعظی آمر عمومی بررسی حادثات ترافیک کابل، ضمن تذکر حادثه تصادم سرویس و ریکشا، میگوید:

- نصب علایم و لوايح ترافیکي به ستندرد بین المللی از یکطرف و ایجاد تاسیسات ترافیکي و تلاش های پیگیر موظفان ترافیک از سوی دیگر، باعث کاهش گراف حوادث، در ماه های اخیر گردیده است .

وی می افزاید :

- در حال حاضر با وجود ازدیاد دوازده

مادرین شماره گزارشی داریم از حوادث دلغراتر ترافیکي در شهر، از طرز بررسی حادثات ، از سرعت وسایط نقلیه و گراف های حادثات ، تعداد عراجات و یک منبع مدیریت عمومی ترافیک کابل میگوید :

بیش از (۱۵۹۷۱) موتر شخصی تیر وفتار (۵۶۱۶) تکسی، (۳۳۶۴) موتر حکومتی ، (۶۷۶) موتر موسسات ملل متحد، (۱۸۱۹) موتر خارجی ها، (۶۵۳۹) موتر لاری، (۶۸۲)

حوادث دلخراش ترافیکی

مزارش از : گل احمد زهاب نوری

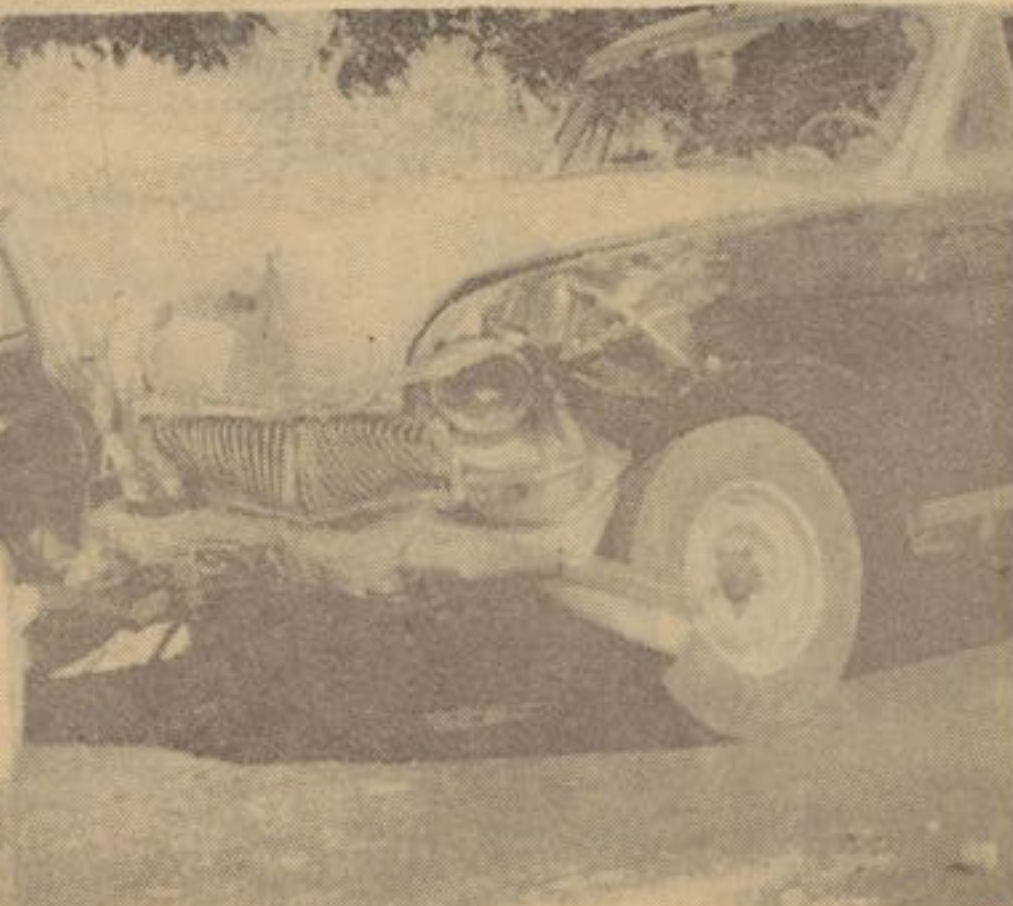
* دو جوان در زیر عراده هسای سرویس هلاک شدند.

* روزانه چهل هزار وسیله نقلیه در شهر، کابل حرکت می کند.

صبح زود است ، عقربه های ساعت ۳:۰۴ را نشان میدهد، جاده چمن حضوری خلوت است کمتر عابری به چشم میخورد، مردی به پشت فرمان موتر نشسته است، ذوق زده مینماید، پایش را بر اکسیلتر موتر می فشارد و لحظه به لحظه سرویس با جسته عظیمش، سرعت می گیرد ...

ناگاه ، در یک لحظه کوتاه، چشمان درپور برقی می زند، سیاهی بی در برابرش دیده میشود وبعد ...

در آن صبح زود، صدای در هم ریختن شیشه ها و شکستن آهن پاره ها، بلند میشود، ناله های شنیده نمیشود، به جزء غرش موتر و فریاد وحشت یکی دور هرو، دیگر صدای بلند نمیکرد... درپور تازه بخود می آید، به



واقعه ای دلخراشی که زاده بی احتیاطی درپوران است.



عدم مراعات حق اولیت سبب این حادثه شده است

و استفاده از دهلیزهای ترافیکی و توجه رانندگان

به علائم و اشارات تحدید سرعت و سبقت ،

یکانه علاج موثر جلوگیری از حادثه ها است .

وی در اخیر می افزاید :

- فصل زمستان عرسال گراف حوادث را

بلند می برد، البته علت آن هم عدم استفاده

موثره از چنین لوازم زمستانی است. امیدواریم

موثر داران اعمال با ادراک و جایب اجتماعی

شان و حفظ سلامتی خود ، بکوشند تا مانع

حادثات دلغراس ترافیکی گردند .

میروند .

وی میگوید:

- ترافیک از تمام رانندگان توقع دارد ، تا

برای حفظ جان خود و دیگران، به مقررات

ترافیکی و لوازم آن، توجه کنند تا به این ترتیب

هم خود و هم شهریان خود را، از گزند حادثه

های ترافیکی در امان داشته باشند .

بناغلی واعظی علاوه میکند :

- همکاری مردم با مراعات راه های پیاده رو

می پرسم :

- به نظر شما عوامل عمده حادثات ترافیکی

چیست ؟

آمر بررسی حادثات ترافیک در پاسخ

میگوید :

- عده بی اذدربوران در گذشته، بدون

سپری کردن نکورس ترافیک لایسنس گرفته

اند، عده بی هنوز آشنایی کافی به علائم

و اشارات ندارند، دسته بی به تیژ رانسی

می پردازند و گروهی هم به مقررات ترافیک

توجه بی نمی کنند، که در نتیجه سبب حادثه

های دلغراس می گردد .

وی ادامه میدهد :

- البته نواقص تخنیکي عرادات کهنه ،

عدم مراعات چراغ های دیم و فول در شب ،

دور خوردن بدون اشاره در چهارراهی ها ،

سبقت جستن و حتی ضیق خود جاده ها

از عوامل مهم حادثه های ترافیکی به شمار

هزار عراده وسایط نقلیه دیگر در جریان

ترافیک و ضیق جاده ها، باز هم گراف حادثات

نشان میدهد، که گاهشی قابل ملاحظه یسی

بر حادثه های ترافیکی دوشیر ، به تناسب

سال های گذشته رخ داده است .

آمر بررسی حادثات ترافیک میگوید :

- بطور نسبی، نظریه سال های ۱۳۵۲-۵۱

در سال ۱۳۵۳ و نیمه اول سال ۱۳۵۴، در

حادثاتی که منجر به قتل میشود چهل فیصد ،

مجروریت، سی و پنج فیصد و خسارات مالی

هفده فیصد کسر و تقلیل رونما شده است.

بناغلی میرمحمد سعید واعظی ، در برابر

پرسشی راجع به طرز بررسی حادثات ترافیکی

میگوید :

- موقعی که آمریت بررسی حادثات از واقعه

ترافیکی اطلاع میابد حیات به سرعت با وسایط

نقلیه ترافیک و امبولانس ها، خود را به محل

حادثه می رسانند، البته برای پولیس ترافیک

فرقی نمیکنند ، که این حادثه در داخل شهر

رخ داده، یا بیرون از شهر و نقطه دور دستی

نخستین وظیفه موظفین بررسی حادثات،

انتقال مجروحین به نزدیکترین شفاخانه ها

است، سپس محل حادثه و وسایط نقلیه را ،

از لحاظ کمیت و کیفیت بررسی می نمایند ،

اخذ کروکی محل واقعه، وضع ساختمان و

موقعیت سړک به ترتیب اساسی یادداشت

می گردد، در صورت لازم عکس هایی از حادثه

تهیه می گردد، جمع آوری مدارک و دلایل الزام

و نظرات شهود حادثه نیز از فعالیت های

موظفان این آمریت است .

ترافیک انتقال مجروحین را به وسیله

امبولانس های خود، به عهده دارد، علاوه

کسانی که در جریان حادثه هلاک می شوند ،

به وسیله وسایط ترافیک به طب عدلی و سپس

تا منزل خود، یا قارب آن نقل داده میشود .

وی علاوه میکند :

- موثر های که در جریان حادثه صدمه

می بینند، توسط موثر (گرین) ترافیک، به

شهر انتقال داده میشود .

تکمیل دوسیه موضوع و ارجاع آن از طریق

خارنوالی جرایم ترافیک به محکمه اختصاصی

ترافیک جزء فعالیت های این آمریت بشمار

می رود.



پالتیوم در نقش های مختلف

شان، پدیدار شدن يك مدير ماليخوليا بود. این پیرمرد ماليخوليا بايستی درازش همان رئیس استديو بود که در داستانهای امریکایی خیلی مسخره شده است. ولی این بار اولیاس دراز میپوشید، ریش کوچک داشت، ماری جوانا استعمال میکرد و به زبان ضد فرهنگی جوانان سخن میگفت. وقتی فلمهای این آدم نتوانست پول لازم را به دست آرد، به زودی از اذهان ناپدید شد.

پدیده دیگری که شاید بیشتر وقت انگیز معلوم میشد، بزرگ جلوه دادن تشنجات دهه شصت بود. این کار با ساختن فلمهای به اصطلاح (مبارز) انجام میشد و غالباً عصیانهای دانشجویان را نشان میداد. در این سلسله میتوان از فلمهای (آر. پی. ام)، (باریک شدن) (بیانیة توت زمینی) و مانند اینها نام برد. اشکال اصلی در آن بود که این فلمها چندین سال از جریان عقب مانده بودند و وقتی روی پرده می آمدند، مردم علاقه شان را به موضوعات آنها از دست داده میبودند. در نتیجه این تلاش هوانالسیهای مانند آنها که میخواست غول در حالت نزع سینما را از مردن نگه دارد، چیزی نبود مگر تعدیلهای کوچک و ضعیف حاضر. حالانکه سینمای به يك انقلاب واقعی نیاز داشت. سرانجام، در پایان سال ۱۹۷۱ هالیوود نویسی نمودار شد.

برای نخستین بار در طول چندین دهه پرسشهای مهمی به میان آمد و به شکل فناعت بخشی پاسخ داده شد. پیش از همه این نکته روشن گشت که برای وادار ساختن شخص به اینکه خانه اش را ترک گوید و به سینما برود، باید چیزی بخصوصی ارائه کرد.

این چیز بخصوص لازم نیست فلمهایی باشد درباره اعتیاد به مواد مخدر، سقط جنین، الفسردگی و عذاب کشیدن. این شخص که میتواند در خانه اش به صوت رایگان تلویزیون تماشا کند، برای رفتن به سینما ناگزیر بود تکت بخرد، پول پارکینگ موتر بدهد و مصارف متفرقه دیگری را به کمر بندد. مردم همانگونه که حاضر نبودند برای تماشای لباسهای پر مصرف پول بدهند، برای دیدن

چنین فلمهایی نیز نمیخواستند سه دالرشان را تسلیم کنند.

مساله نه الفسرده ساختن مردم با (دیالیزم) بود و نه گریز دادن آنها بود با سرگرمی. سرانجام این اندیشه در هالیوود زاده شد که آنچه مردم را به سینما میکشاند، تجربه ایست که مردم با آن بتوانند به جنبش در آیند. مردم فلمهایی میخواستند که از کسانی سخن گوید که مردم به آنان علاقمند هستند.

سایه با مخالفت این فرضیه هالیوود روبه رو بود که فلم يك نمایش کار نیوالیست و با کمک اعلان و تبلیغات میتوان مردم را به دیدن آن تطبیع کرد.

مشکل اصلی هالیوود - گذشته از ساختمان فئودالی استدیوها و روشهای کهنه تولید وجود این اندیشه بود که فروش فلم مهمترین است از ارزش خود فلم. بالاخر مردم از دیدن فلم بدخسته شده بودند. بدینصورت، صنعت سینمای امریکا که فلم پشت فلم با کاهش درآمد روبه بود، سرانجام برای نجات خودش به يك نتیجه رسید: باید نیرویش را بر ساختن فلمهای بهتری متمرکز سازد و بگذارد که خودجنس خودش را معرفی کند تا تبلیغات. آنچه گفته شد، کلیات حوادث است. از آن به بعد، فلمها بهتر شده و واکنش مردم نیز رنگ مطلوب تری گرفته است. درحالی که چند سال پیش سینمای امریکا تصادفاً یکی دو فلم پردرآمد مانند (داستان عاشقانه) و (فرودگاه) میداشت - فلمهایی که عده کمی واقعاً فکر میکنند که خوب اند - حالا سالانه بقیه در صفحه ۱۸

فلمهایی که در آنها کیفیت داستان، بسازی و کارگردانی مهمتر از مصرف هنگفت و محیطی برخاسته باشد.

به صورت فشرده، سرانجام زمان دریافت این نکته رسیده بود که اگر لازم است مردم دوباره به سینما کشانیده شوند، باید فلمهای (خوبی) روی پرده سینما بیفتد.

این نکته که چندان انقلابی به نظر نمیرسید



صحنه‌یی از فلم «کاباره» که هشت جایزه اکادمی را ربود.



«میا فارو» و «روبرت ریڈ» در فلم «گتسی بزرگ». این فلم از يك رومان اسکات فیتز جرالده اقتباس شده است.



الیزا بت تایلور با ریچارد برتون

باز هم زن و شوهر باشیم و در هنر پیشه تادر دنیای هنرو تیانو سینمایاز هم غوغایی برپا کرده باشیم و ریچارد که چنین آرزوی را از خدا میخواست در حالیکه تبسم خفیفی روی لبانش نقش بسته بود سرش رابه عنوان موافقت نکلان داد.

و بدین ترتیب دو زوج هممفکوره دوهنر پیشه معروف و دو شکسپیر شناس بار دیگر در کنار هم قرار میگیرند، تا کارهای هنری شانرا از سر گیرند.

عمر دوستش خواهم داشت و عاقبت روزی باز هم بهم خواهد رسیدیم (ریچارد چندی بعد از اطلاع - مریضی برای عیادتش روانه قصر (اریل) گردید، الیزابت که معلوم شد ازین مفارقت سخت دلتنگ و نادم بوده و توانسته از سیمای محبوبش اسرار درونی اش را بخواند در حالیکه صحبانه برتون را روی میز مقابلش میگذارد آهسته و شوشوخی آمیزد همنش را بین گوش برتون برده و میگوید: حاضری دوباره باهم عروسی کنیم بگذار

بخشیده بود که سحر کلمات - شکسپیر یاد تایلور را در مفکوره اش بخاطر این هماهنگی زنده ساخت، و یگانه انگیزه که پس از دوسال باعث تشویق و تمایل برتون نسبت به تایلور گردید همانا نمایشنامه (برنس) است که قبل از جدایی شان ناتمام مانده بود و هیچکس جز الیزابت قادر نبود از ایفای نقش آن موافقت بدرشود. چون علاقه هنری آنان بالا تر از علایق قلبی شان بود اینبار نیز باعث پیوند آنان گردید و برتون ناگزیر خواست بهر نحوی میشود این مرز را از میان بردارد، این جاست که ریچارد درک میکند وجود الیزابت تایلور برای او زیاد اهمیت دارد تا جینی بل، و الیزابت - یوگوسلاویایی، و بهمین ملحوظ این عقیده در او نفوذ کرد که او تایلور لازم و ملزوم یکدیگرند. - تصادفا الیزابت تایلور در روم مصروف تهیه فلم (را مسی نافرمان) یک آله شیشه ای بفرق سرش افتید و شدید جراحت برداشته و به بستر افتاد، یک هفته در بستر ماند تا اینکه دکتور آن شهر روم بوسیله آلات مخصوص چندین بارچه شیشه را از فرق سروی بیرون آوردند درینوقت شدت درد تایلور را شکنجه کرد بعدی که تایلور میترسید که رگهای اعصابش فلج نشود اما دکتوران با تزریق ادویه های لازمه و مسکن از شدت درد کاهش بعمل آوردند البته الیزابت یک هفته تمام جز آب میوه، مشروب و بات و یسکی چیز دیگری رابه لب نزد.

- الیزابت و قتی به بستر افتاد بیشتر در رویاها و تفکر آتش - سیمای برتون جان گرفت، درین لحظات احساس میکرد که قوه مرموزی اورا بسوی برتون بکشانند. برتون نیز با شنیدن جراحت الیزابت اعصابش بسرحد خورد شدن رسید زیرا او تازه درک کرده بود که تایلور همه چیزش در - زندگیت زیبا او ترسیده بود که اگر زنی که با او در تمام مساجات زندگی توافق همه جانبه و سازش کامل داشته از بین برود دیگر

زندگی او از هم خواهد پاشید - گرچه نه برتون و نه الیزابت هیچکدام در برابر عشق همدیگر باوفا نماندند و پس از متار که -

زنان

وپر ابله‌های اجتماعی

روزها گذشت سالها پیهم آمدند و رفتند و قرن‌ها سپری شد مگر مردها حاضر نشدند دست از ظلم و تعدی علیه زنان بردارند و معترف گردند که زنان نیز چون مردان در اجتماع حقوق مساوی دارند و این حق ناشناسی هاست سفاکانه در ممالک کم‌رشد آسیا، افریقا و آمریکای لاتین بیشتر به مشاهده می‌رسد.

گرچه سازمان ملل متحد از نیم قرن بدینسو فعالیت‌های را غرض آزادی و حقوق مساوی زنان با مردان برانداخته و سعی و مجاهدت‌های مسی نماید تا به نابرابری و مظلومیت و استبداد علیه زنان خاتمه داده شود و این نیمه از دیگر اجتماع که نیمه دیگر در دامان برعکس فتنه‌های پرورش می‌یابد از یوغ استعمار و استثمار رهایی یابند و در نتیجه تساوی حقوق زنان تأمین گردد و مسئله دیگر یکی می‌تواند کلید حل پرو بلم و موشکلات زنان در جوامع باشد اینست که بایست توجه زنان را جهت ساختمان جامعه نوین جلب نمود و شرکت فعالانه ایشان را در امور حیاتی حتمی دانست زیرا استفاده همه جانبه از کار زنان

در تولید اجتماعی یکی از شرایط آزادی اجتماعی زنان است و زما نیکه زنان در کار تولید همراه با مردان تشریک مساعی می‌نمایند آنگاه است که وضع زنان با مردان یکسان می‌شود که البته درین صورت خواسته ها و آرزو های زنان خود بخود برآورده خواهد گردید.

اما با وجود این همه تو جهات سازمانهای دیمو کراتیک و ترقی پسندان نهضت‌های زنان با زعم بیش از پیش احساس می‌شود که تبعیض پسندان در فکر آنند تا زنان را موجود طفیلی، باروش مرد و جز لوازم و اشیای غیر مؤثر منزل شمرده و زحمات مؤثریت قدرت و استعداد شگرف زن را در امور زندگانی خانواده گمی، فامیل و اجتماع بشری بدیده بی‌اعتنایی نگردانند و از شخصیت برانزده و خلاق او چشم‌پوشند و به اساس همان مفکوره قرون وسطی و تلقیات سیاه که میراث دوران بی‌دانشی است به او به‌دیده تحقیر نگاه کنند.

اما باید اذهان نمود که در حقیقت زن محور است که خانواده، جامعه و حتی تمام بشریت در اطراف آن می‌چرخد، نقش زنان در عدا یست و تعیین سر نوشت ملت‌ها اهمیت حیاتی دارد. با پیشرفت علوم و

ممالک دیگر آزادی‌های ایشان حدود روشنی ندارد و با محدودیت‌های پرو بلم‌های زیادی مواجه می‌باشند. مگر متأسفانه بشکل فور مو لته در همه جا و همه نقاط جهان چه در ممالک متمدن و چه در کشورهای روبه انکشاف از آزادی زنان نام برده می‌شود و گفته می‌شود فرصت آن رسیده تا زنان به حقوق اجتماعی و انسانی خویش نایل گردند مگر بایک عمیق نگرانی مختصری دیده می‌شود که تا اکنون هیچیک از سازمانهای جهان موفق به چنین امری نگردیده‌اند.

اما بر زنان آگاه و پیشگامان نهضت‌های دیمو کراتیک و روشنفکران است تا بآبادی مستو لیت‌های ایمانی در یک صف قرار گیرند و برای استحکام صلح و سلم گیتی از هیچ گونه سعی و مجاهدت دریغ نورزند و برای حقوق اجتماعی و انسانی خویش که یک امر طبیعی است به مبارزه بیکس و دوامدار آغاز نمایند تا بآبادی که به پیروزی نایل گردند و هم تحت شعار انکشاف صلح و مساوات برای بلند بردن سطح آگاهی خود و هم‌تو عان خود کوشیده

و درین سال بین‌المللی زن و تحت شعار سترگ مساوات شاهد پیروزی را در آغوش گیرند و در پناه صلح همیشگی و در سایه دیمو کراتی واقعی که ضامن همه پیروزی‌ها است زیست نمایند.

تکنالوژی دنیا با سرعت زیادی به پیش می‌رود و به پیروی از زمان و مکان تغییر یافته، زنان نیز باید نقش دنیا میک را درین جهان بازی کنند باید یاد آور شد که برای آورده شدن اهداف و مقاصد سال پس سال المللی زنان تنها با فعالیت طبقه انات امکان پذیر نخواهد بود و برای حصول مو ثر اهداف تعیین شده شرکت فعالانه همه روشنفکران اعم از زن و مرد ضروری محسوب می‌شود تا بآبادی که در اثر تشریک مساعی و احساس مستو لیت مشترک زنان و مردان و بآبادی مستو لیت‌های اجتماعی و انسانی در نو سازی و بهسازی جوامع بشری گامهای مفید ارزنده برداشته شده و رسالت تاریخی خویش را منجیت مشعلداران اجتماع بشری فرا موش نکرده و از هیچگونه سعی و مجاهدات دریغ نورزند.

با وجود تمام گفته‌ها و نظریات و کوشش‌های جوامع بین‌المللی تاکنون آزادی زنان منحیت موضوع حل نشده در اکثر ممالک جهان مطرح بحث می‌باشد و در برخی

هدایات ارزنده

اگر میخواهید ساسچ را بدون پوستش بخورید برای جدا کردن پوست آن ناراحت نباشید. بهترین روش برای جدا کردن پوست ساسچ اینست که آنها را در دستمال مرطوب پیچانده مدت پانزده بیست دقیقه بگذارید پوست آن پس از این مدت به آسانی جدا میشود.

برای شب مهمان دارید و این مهمان عزیز غذای کم نمک میخورد درحالیکه شما نمک دیگ را کمی هم بیشتر نموده اید. چاره چیست؟

دست و پاچه نشوید. یک کچالو واپوست گرفته به ورقه هابرید و در غذا پیاندازید و مدتی بگذارید بجوشد تا نمک اضافی را جذب کند.

جذب و یا ذخیره گردد رفع میشود. ویتامین آ:

ویتامین (آ) یکی از عوامل موثر بینایی است. این ویتامین بافتهای پوششی (قرنیه، مخصوصاً شبکیه) چشم را محافظت مینماید.

این ویتامین عامل رشد سلولهاست و در لطافت و شادابی جلد فوق العاده موثر میباشد. کمبود این ویتامین باعث میگردد تا پوست طراوت و تازگی خود را از دست داده زخم و درشت گردد. برعلاوه کمی این ویتامین در بدن، عوارض دیگری را نیز بار می آورد.

مثلاً تولید سنگ مثانه، دیر جوش خوردن زخم عضوی از بدن، کم شدن نور چشم و امثال اینها از کمبود این ویتامین در ماشین جسم است.

چکر، روغن ماهی، کشمش، پالک، کاهو، زردک، کاسنی، زردآلو، بادنجان رومی، پوست اکترمیوه های رسیده، مرغ سرخ تازه، چربی های حیوانی مثل مسکه، سرشیر، قیماق و زردی تخم مرغ از منابع سرشار این ویتامین میباشند.



زندگی امروز



بروز و اتفاقات تراژیدی به هر یک ما از امکان بعید نمی نماید

* حوادث و اتفاقات ناگوار طبیعی و قسطنطنیه نمی شناسد. ناگهانی بروز می کند، هردی را خواست میکوبد و هر محلی را بغواهدتیه میسازد.

* موسسات و مراکز خیریه خود را مجبور و موظف میدانند تا در چنین مواقع و بروز همچو واقعات تراژیدی به کمک و یاری مصیبت دیدگان بشتابند.

بشر با وجود این همه پیشرفت و انکشاف

روزافزونی که در قسمت سیانس و تکنولوژی نصیبش شده تا هنوز نتوانسته از مصائب و بلاهای ناگهانی طبیعی که عایدش میگردد جلوگیری کند و هزاران هم نوع و برادر مصیبت دیده خویش را از کام آن برهاند و بدیاریان برساند.

بلا مصیبت بی خبر و ناگهانی آمده در منطقه یا مناطقی کمین میکند و در یک چشم برهم زدن تعداد کثیری مردم را بی خانمان میسازد. در گوشه ای زلزله قدم می نهد، زمین چون ازدهای بی سروپا دهن میگشاید و زندگی تعدادی را میبلعد و تعدادی را هم به خاک و تباهی میکشاند.

توفان نقطه دیگری را انتخاب مینماید، مردم را ناگهانی غافل گیر میکند، خانه هارا ویران میسازد، تهاول و درختی باقی نمیگذارد و با سرعت سرسام آورش عده بیشمار را بیچاره و آواره مینماید.

خشیم و غضب سیلاب نیز کم از آنها نیست. سیلاب نیز با آواز مهیت و بوی زننده اش غرشکنان و موج زنان با سرعتی چون بسوق نواحی مورد نظرش ربه نابودی دعوت میکند. دستگیری نماید.

موسسات و مراکز خیریه در اکثر ممالک این حوادث همه نوری و ناگهانی آمده و با



مدل اولین خانه که با انرژی آفتاب گرم میشود

حبیب الله حبیب فرهمند

اولین خانه که با انرژی آفتاب گرم می شود

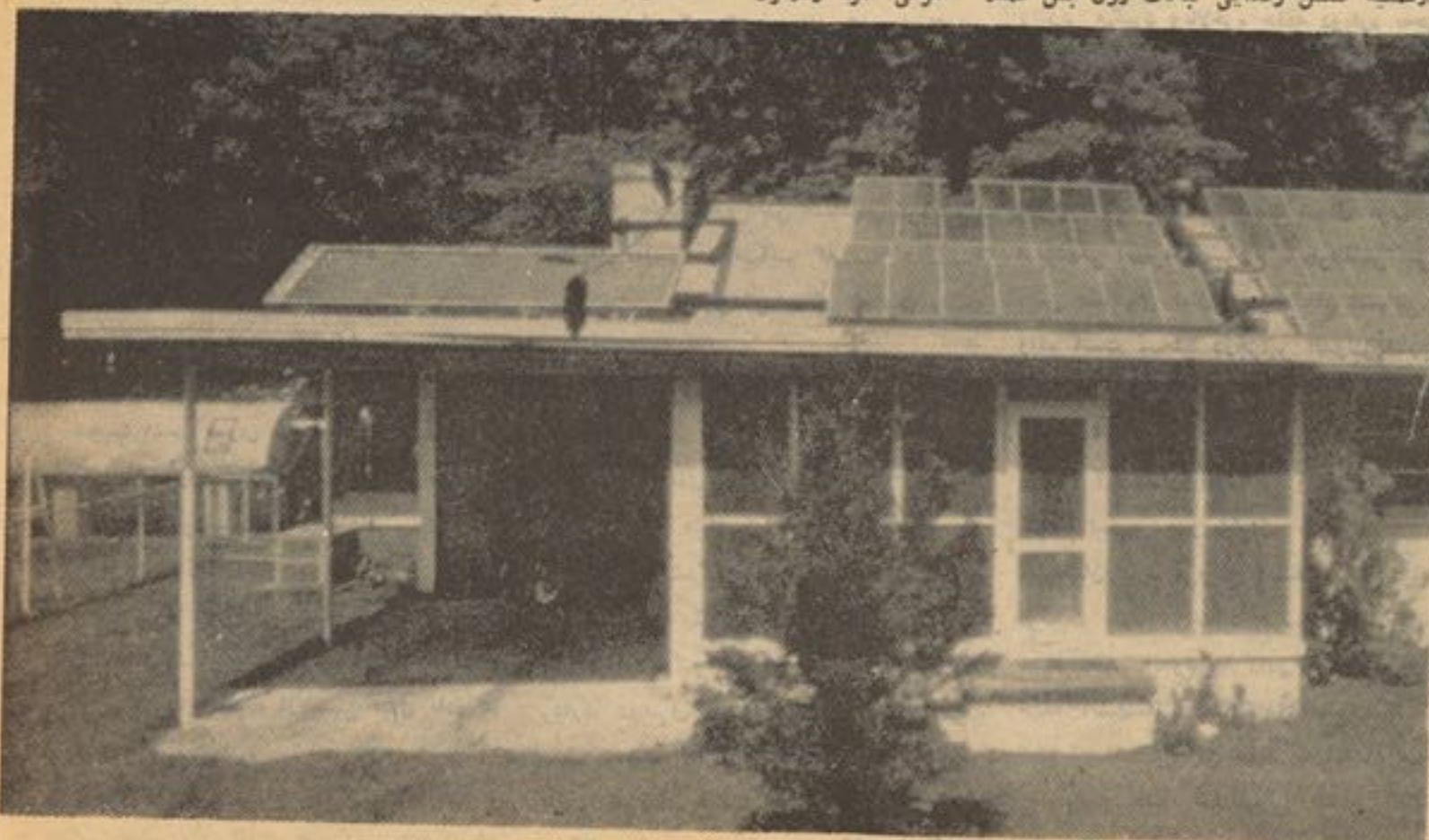
در بهار سال ۱۹۷۵، اولین خانه که با انرژی آفتاب گرم میشود در شهر آخن جمهوری فدرالی آلمان ساخته شده است. این خانه دارای مساحت ۱۲۰ مترمربع بوده و مصارف آن به ۸۹ میلیون مارک میرسد. هانس نات، هوور وزیر تحقیقات علمی و تکنیکی آلمان غربی درین گفت که تولید برق بانور و حرارت آفتاب امروز، ممکن است اما از لحاظ اقتصادی، آنقدر مفید نیست. اگرچه در پرواز های کیهانی، تولید برق، بانور و حرارت آفتاب، احتیاج سفینه های کیهانی را رفع می کند اما اگر بخواهیم در آلمان، از نور و حرارت آفتاب، برق تولید نماییم، قیمت هر یک کیلووات برق آفتابی سه هزار مرتبه بلند خواهد بود که امروز یک خانواده برای یک کیلووات برق می پردازد. از جانب دیگر در آلمان غربی، هر سال، بطور اوسط مدت شش ماه، آسمان از ابر پوشیده می باشد یا ابری و آفتابی است و زمانی که آفتاب در عقب ابرها پنهان باشد، نمیتوان از نور و حرارت آن بقدر کافی برای تولید برق بوسیله بطری های آفتابی، استفاده کرد بنابراین بعوض آن در آلمان خانه هایی را که در فصل زمستان بانور و حرارت آفتاب گرم شود، ایجاد می نمایند.

نور و حرارت آفتاب را از شیشه یا پلاستیک عبور میدهند و یک صفحه المونیم منعکس نموده و در بین صفحه و پلاستیک تل آبی را جریان میدهند که تل مذکور خانه را گرم می سازد. احصائیه نشان میدهد از ماه اپریل تا اکتوبر ۹۵ فیصد برقی که در منازل به مصرف میرسد برای گرم کردن، سرد نمودن و آب گرم بکار میرود. در دسامبر و جنوری ۲۰ تا ۲۶ فیصد و در مارچ ۸۶ فیصد. بنابراین ساختن خانه هایی



تولید انرژی از نور و حرارت آفتاب در کوه های پیرنه فرانسه

دارد. در سالهای ۲۱۲ و ۲۱۴ قبل از میلاد که از انرژی آفتاب برای چرخاندن ماشین آریسمیدس دانشمند یونانی، انرژی آفتاب را استفاده میکرد. در سال ۱۹۱۲ در قاهره معرفی نمود و در قرن ۱۹ انسان فا در گردید بقیه در صفحه ۵۷



این خانه در فلو ریدا تمام حرارت مورد احتیاج خود را از طریق لوحه هایی که در پشت بام نصب شده از خورشید می گیرد

واکسین

وادامه حیات

توبیرگولین

داشتن معلوماتی درباره بسرخی امراض وواکسین های مربوط يك امر ضروری میباشد. که درین جاپور اختصار بحث مینمایم :

۱- واکسین توبیرگولوز :
توبیرگولوز مرض ساری و خطرناکی است که عامل آن بسیلوس تو بر کلوز میباشد. میکروب مذکور میتواند نواحی مختلف جسم را و خاصا شش ها را متاثر سازد. این مرض در حیوانات و انسان هایافت میشود.

برای کسب معافیت به مقابل مرض توبیرگولوز واکسین بی-سی-جی .

تزریق میگردد. معمولا قبل از دانستن اینکه شخص مورد نظر بمقابل میکروب توبیرگولوز معافیت دارد و یا خیر؟ ماده ای را بسنام

واکسین های دیگری از قبیل واکسین محرقه یا تیفوئید کولرا، حمای لکه دار، تب زرد و پلاکو نیز وجود دارد که نباید از واکسین نمودن آنها چشم پوشی نمود.

زنان حامله نباید برخی از واکسین ها را در موقع بارداری تزریق نمایند.

طوریکه قبلا ذکر شد. تزریق عده ای از واکسین ها به تمام افراد يك جامعه يك امر لازمی بوده و خصوصا بر مادران است که اطفال خود را به مقابل امراض مدعش، واکسین نموده و از بروز حوادث ناگوار حتی الامکان جلوگیری نمایند. باید اضافه نمود که علاوه برواکسین های ضروری - عده ای از واکسین های نهن روئینی دیگری نیز وجود دارند که در حالات به خصوصی مثلا در مواقع بروز مرض در يك منطقه (مثل مرض چیچک و یا کولرا و غیره) و یا مواجه شدن با میکروب مربوط (مثلا گزیدن سگ دیوانه) - به اشخاص تزریق میگردد.

در ممالک روبه انکشاف واضح است که بنابر بلند بودن درجه ای بیسواد، محیط زیست انسان ها بدرستی کنترل نگردیده، مدفوعات و بقایای مواد عضوی که منبع مهم امراض مختلف اند، از بین برده نمیشوند. از جانب دیگر عدم مراعات حفظ الصحة و نداشتن معلومات کافی درباره طرق انتقال امراض - باعث آن میگردد که در طول سال امراض مدعش عده ای کثیر چنین جوامع را معیوب و یا از بین برد. بهمین دلیل است که

برای بوجود آوردن معافیت کلی، باید سه مرتبه واکسین تکرار گردد طوریکه فاصله بین هر واکسین ازدوالی چهار هفته تجاوز نماند. واکسین چهارمی بوسیله یکسال بعد از واکسین آخرین در طفل تزریق میگردد.

برای اینکه والدین مواقع صحیح واکسین نمودن اطفال را بدانند طور خلاصه جدول ذیل را تحریر مینمایم :

جدول تعیین اوقات مناسب واکسینیشن اطفال :

سن طفل	نوعیت واکسین
ماه اول	اولین واکسین ضد سیاه سرفه
ماه دوم	اولین واکسین دی-پی-تی.
ماه سوم	۱- دومین واکسین دی-پی-تی. ۲- اولین واکسین پولیو (فلج اطفال).
از طریق دهن.	
ماه چهارم	۱- سومین واکسین دی-پی-تی. ۲- دومین واکسین پولیو.
ماه پنجم	۳- سومین واکسین پولیو.
ماه دهم	دومین واکسین دی-پی-تی. واکسین چیچک.
ماه هفده و هجدهم	۱- واکسین بوسترا دی-پی-تی. ۲- واکسین بوستر پولیو. ۳- واکسین رو بیولا.
۴- واکسینیشن علیه مرض رو بیولا میسل	

عامل این مرض یکتو و ویروس بوده و علائم آن عبارت از ظهور تب، سرفه و بخارات جلدی میباشد.

دونوع واکسین برای این مرض ساخته اند طوریکه در واکسین اولی ویروس های غیر فعال واکشته اند ولی برخلاف در واکسین نوع دوم ویروس ها زنده میباشد. واکسین های مذکور معمولا در جاهای خیلی سرد نگهداری میگردد این واکسین را به اطفالی که اضافه تر از یکسال عمر داشته باشند، تزریق می نمایند.

ناگفته نباید گذاشت که تمام واکسین های فوق الذکر از جمله واکسین های مهم بوده و بانیست اشخاص بالغ و اطفال توسط آن صحت خود را از امراض مربوط وقایه نمایند.



دكتور راج آنند به پرسش يك سوال گفت: او قبلا در امريكاييك فلم داکونتری نقش فعالی را ایفا نموده و از مدت‌ها باینطرف این شوق در و جودش مشتعل بود که رو زی بحیث هیرو در فلم‌ها ظاهر شود و حال که این موقع میسر آمده برای خود حیث میداند که از آن نادیده بگذرد.

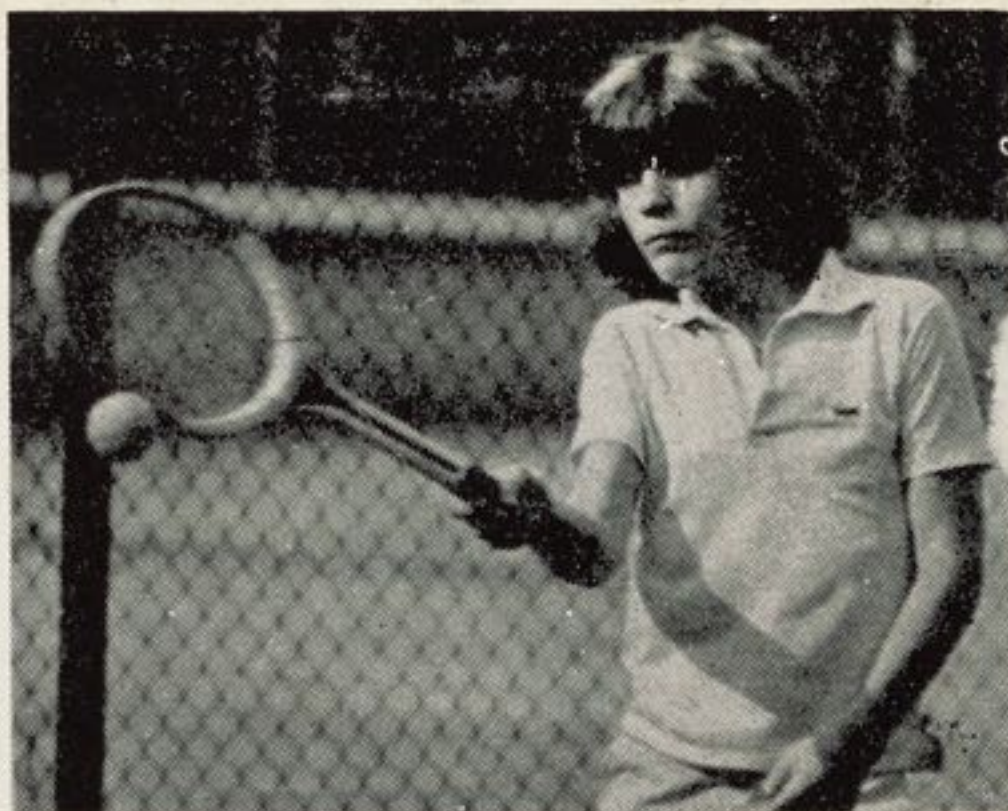
او گفت: او در حال حاضر کاندید بازی نقش سه فلم است ولی باید پرو دیو سرها موقعیت او را درک نمایند و مقابل او رادها سلوچه را برای همبازی انتخاب نکنند والا از بازی در فلم معذرت خواهد خواست.

شکاری چهارده ساله:

«جون جان» پسر چهارده ساله خانم ژاکلین اناسیس اخیرا مورد توجه خاص قرار گرفته و گفته می‌شود بزودی بروی پرده‌فلم ظاهر خواهد شد این پسر بچه زیبا که صاحب چهره زیبا و ملایم و چشمان سیاه و ابروان ضخیم و بیوسته است یکی از حر به‌های برای یک‌هفته از پرو دیو سران خوانده شده که برخی از روزنامه نگاران هنری آنرا شکار کننده پول لقب داده اند. او در حال حاضر در شهر نیویارک در یکی از خانه‌های اناسیس زندگی میکند و قسمت وقت خود را وقف بازی تنیس می‌کند. او در جواب این سوال که در جهان سینما چه خواهد کرد جواب داد آنچه داکتر راج بگوید و آنچه او در این دایره بتواند.



جان پتیر میگوید که با حرفه خود بازان زیادی آشنایی پیدا کرده‌ام



جون جان شکاری چارده ساله

حقیقت راه نداشت. این داکتر «راج آنند» نام دارد که دیپلوم طب خود را از امریکا حاصل و در همانجا به شغل طبابت مصروف بود. اما همینکه «رادها سلوچه» را در یکی از ضیافت‌ها دید عاشقش شد و وقتی باو پیشنهاد ازدواج نمود، جواب توافق آمیزی دریافت کرد که سرانجام منجر به نامزدی آن شد.

این رویداد در ماه‌های اخیر سال ۱۹۷۴ - اتفاق افتاده بود ولی چندی قبل داکتر راج رانند که به منظور ازدواج وارد بمبئی شد طی يك ملاقات با خبرنگار شمع حقیقت نامزدی خود را با رادها سلوچه اعتراف نمود اما از اینکه بعد از این موضوع صرف نظر نموده آنرا گونه‌ای جرئت‌های اخلاقی خود خواند.

علت انصراف از دواج خود را با «رادها سلوچه» توضیح نکرد اما در مورد اینکه دیگر با امریکا بر نخواهد گشت و با ترک شغل طبابت بجهان سینما روی خواهد آورد يك سلسله مطالبی را اظهار نمود.

يك خانم مجسمه دوست بود وقتی او از «آلن» خواهش نمود که مجسمه‌ای از دختر هفت ساله او بسازد، آلن بعد از صرف چهارده ساعت کار مجسمه «ایما» دخترک هفت ساله را ساخت که در حدود پنجاه سانتی متر از تقاع داشت.

بعد از این اندیشه در او قوت گرفت که بعد از این دیزاین‌های خود را با استفاده از وجاعت طبیعی اطفال بمیان آورد. داوطلب در این دایره خیلی زیاد است و «آلن» بعد از چهارده ساعت کارششصد مارك آلمانی حق الزحمه دریافت میکند اینک والدین اطفال حاضر میشوند که با کمپنی‌های گدی‌سازی موافقه دهند یا خیر برایش بی تفاوت است منتها در صورت موافقه يك مقدار پول اضافی نظر به تعداد فروش بوی تعلق خواهد گرفت.

دکتوری که بسوی هنر روی آورده:

چندی قبل شایع شده بود که «رادها سلوچه» ستاره فلم‌های هندی در هنگام مسافرت تش با امریکا با یکنفر دکتور طب رسماً نامزد شده بود که در این خبر تکلفی جز يك

معادل پانزده هزار افغانی در چهارده ساعت:

«آلن بیگز» آمریدیسار تمنست نقاشی و مجسمه سازی کالج بروکن هدرس انگلستان اخیرا بيك ابتکاری دست زده که در حال حاضر سخت طرف توجه قرار گرفته است. او برای یکی از فابریکه‌های گدی‌سازی يك سلسله دیزاین‌های عرصه نموده که بعلت توافق نزدیک به عینیت و طبیعی بودن صد در صد دیزاین به واقعیت جداً مورد پسند واقع شده است.

«آلن» مردسی و چهار ساله انگلیسی که مجسمه ساز توانا و نقاش مقتدریست در مورد چنین ابراز نظر نموده است:

تاکنون تمام دیزاین‌های که برای فابریکه‌های گدی‌سازی تحویل داده شده رو بهمرفته کم‌مایه‌ویی عرضه بوده است و دلیل قوی این گفته اینست که آنان از جلوه‌های طبیعی چشم‌های خود را انحراف داده و دیزاین را طوری ترتیب نموده اند که نه در آن تخیلات بدیع که مستلزم يك اثر براننده است در آن بکار رفته و نه عینیت و کلیت طبیعی در آن مشهود بوده است. ما بارها و بدفعات جلو واقعیت‌های مسلم و تابناک قرار گرفته ایم ولی دريك لحظه آنرا بس دست فراموشی سپرده ایم. با دیزاین میان از پدیده‌های ثابت حیات استفاده صورت گرفت که نتیجه آن قانع کننده افتاد.

منشای تحرك این عمل اندیشه



اینهم لانگ و پلی بار بار که باهتمام جان پتیر تکمیل شده است

پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

(مستر کلمنت! از اینکه بیشتر از این نمیتوانم منتظر شما بمانم متأسفم اما...)

جمله ناتمام مانده و چنان بنظر می آمد که خط بادستپایی لرزان انشای شده است.

مفتش با افتخار غرید: وضع کاملاً روشن است. پرو تیرو نشسته مشغول نوشتن نامه بود، دشمن به آرامی از درب شیشه‌ای وارد گردیده او را بقتل رسانده خوب، دیگر چه میخواهید؟

ولی من میخواهم مطلبی را توضیح بدهم دوباره مفتش تهرزد: لطفاً به پرو پای ما نجسید. کنار بروید تا ببینم اینجا پل بابی هست یا خیر. سپس درحالیکه روی زانوان خود می خزید بطرف درب شیشه‌ای حرکت کرد. من با حاجت دگر باره شروع کردم:

چیزی هست که شما حتماً باید آنرا بدانید...

مفتش از جا بلند شده بالعنی قاطع گفت: این مطلب را بعداً صحبت خواهیم کرد. حالا اگر از این اتاق خارج شوید ممنون میشوم. لطفاً بیرون بروید.

مثل بچه‌هایی که حرف شنو هستند و آنها را از خانه بیرون میرانند، اطاعت کردیم و بیرون رفتیم. بنظر من ساعتاً از این جریان می گذشت یعنی گذشت وقت خیلی سریع شده بود درحالیکه تازه یک ربع از ساعت ۷ می گذشت.

بایدونک گفت:

هر موقع این احمق خود خواه سراغ مرا گرفت، خودش را به معاینه خانه ام بفرست. فعلاً خدا نگهدار.

درین موقع ماری روبروی من پیدا شده گفت: خانم تشریف آوردند.

تقریباً پنج دقیقه قبل.

گریز لدا را در اتاق پذیرایی یافتیم. چنان می نمود که هم ترسیده و هم به هیجان آمده است. جریان را به او تعریف کردم. با دقت زیاد گوش فرا داد و در آخر متذکر شدم که در آغاز نامه پرو تیرو ساعت ۳:۳۰ قید شده بود.

گریز لدا سر جنبانیده گفت: مگر تو به آنها نگفتی که پرو تیرو عادت داشت همیشه ساعتش را یک ربع پیشتر عیار میکند؟

جواب دادم: خیر، زیرا مفتش بوسن فرصت ابراز این مطلب را نداد و هر چه سعی کردم بخرج او رفتم.

گریز لدا درحالیکه با حیرت ابرو ها را بالا می برد، اظهار داشت:

اما لن، در این صورت این کار رنگ عجیب تری بخود میگیرد. مثلاً ساعت او نشو و نیست را نشان نداد، در حالیکه وقت صحیح نش و پنج دقیقه بود.

در هر صورت مطمئناً پرو تیرو در ساعتش و پنج دقیقه اینجا نبوده است.

مدتی من و همسرم روی مسالده ساعت مذاکره و بحث کردیم اما بیک نتیجه قطعی نرسیدیم. گریز لدا تأکید کرد که هر طوری

شده باید این موضوع یک ربع ساعت پیش بودن ساعت پرو تیرو را باید به مفتش گزارش بدهم ولی با تعجب زیاد از زبان ماری اطلاع یافتیم که وی اتاق مرا قفل و مهر کرده و چند لحظه قبل منزل مرا ترک گفته است.

گریز لدا گفت: سری به قصر قدیمی بزنم ببینم آن پرو تیرو باید خیلی بد حال باشد. شاید من بتوانم کمکی برای او بکنم.

این نظر او را من هم پسندیدیم و گفتیم اگر بمن احتیاجی احساس کردند فو را تلفون کنند.

پس از رفتن گریز لدا، دنیس بمنزل آمد. گویا از بازی تنیس برگشته بود. از اینکه جنایت در منزل ما اتفاق افتاده خیلی خوشحال شد و گفت: همیشه آرزو میکردم با یک حادثه جنایی رو برو شوم. راستی پلیس اتاق کار شمارا چرا قفل کرد؟ آیا کلید دیگری به آن درب جور نمی آید؟

به او گفتم که من اجازه نخواهم داد درب آن اتاق را باز کند. وضع بیخیال و خوش نسر د دنیس واقعا به اعصاب من برمی خورد و لی بعد تر فکر کردم برای یک دختر ۱۶ ساله حادثه قتل نمیتواند مفهوم بسیار عمیق و مشغول کننده داشته باشد. برای دنیس این حادثه، بیش از حادثاتی که در یک رومان پلیسی رخ میدهد، اهمیت نداشت.

گریز لدا، یک ساعت بعد مراجعت کرد. آن را پس از آنکه حادثه را پلیس به وی اطلاع داده بود، دیده بسود. مفتش پس از آنکه مطمئن شده بود که آن شوهرش را در ساعت ربع کم شش در راه دهکده دیده و بیش ازین از جریان اطلاعی ندارد، تصررا ترک گفته و متذکر شده بود که لدا برای صحبت مفصل تر بر خواهد گشت. در هر حال نسبت به (آن) وضع او مؤدبانه بوده است.

پرسیدم: برخورد خانم «آن» با این حادثه چگونه بود؟

خاموش و آرام نشسته بود و لی او معمولاً اینطوری است.

سراست است. حتی من بخاطر نمی آورم که آن پرو تیرو کمترین شوک عصبی در عمر خود دیده باشد.

البته در اول از شنیدن واقعه نکان خورده است و این از وضع او معلوم می شد از آنکه من سراغ او رفته بودم، از من تشکر کرد و در عین حال گفت که هیچ نمی دانم چکار کند.

لیتس چه؟

ساورد جایی بازی تنیس مشغول بود، و هنوز بخانه برگشته بود. گریز لدا یک لحظه خاموش شد و بعد دوام داد: میدانی لن، وضع آن خیلی به نظرم عجیب آمد. خیلی عجیب!

شاید خیلی ناراحت بود.

ساری ممکن است و لی راستش از وضع

او این ناراحتی پیدا نبود بلکه چنان بنظر م آمد که خیلی مضطرب شده است.

ساری ممکن است وی راستش از وضع او این ناراحتی پیدا نبود بلکه چنان بنظر م آمد که خیلی مضطرب شده است.

یعنی ترسیده است؟

ساری، سعی میکرد از ظاهرش این اضطراب معلوم نشود و لی در چشمانش حالتی عجیب آمیخته با احتیاط و محافطه کاری پدیدار بود. آیا او حدس میزد چه کسی باید شوهرش را کشته باشد؟ مگر او از من سوال میکرد آیا پلیس نسبت به کسی مشکوک است یا خیر؟

متفکرانه گفتم: که اینطور؟

ساری، طبعاً «آن» زنی مسلط برخوردار است ولی بغوی پیدا بود که ازین جریان بشدت تکان خورده است حتی مافوق آنچه تصور میکنی. البته آن به شوهرش زیاد علاقه مند نبود حتی یکروز بمن گفت که از پرو تیرو بشدت متنفر است.

گاهی مرگ می تواند سبب تغییر حیات آدمی بشود.

بهر صورت...

دنیس هیجان زده داخل شد و گفت روی یکی از کرد های گل در حیاط پل پایی کشف کرده است و مطمئن بود که چون پو لیس این راز را کشف نکرده وی می تواند با تعقیب این پل پا، راز تمام معمارا بکشد.

شب ناراحتی را سپری کردم. دنیس خیلی زودتر از ساعت معین صرف صبحانه بیدار شده دنبال آخرین خبرها و انکشافات بیرون رفت.

مع ذلک هیجان انگیز ترین خبر آنروز صبح را او نه بلکه ماری بها داد.

درست موقعیکه ما مشغول صرف صبحانه بودیم این دختر مثل توپ به داخل اتاق پریده در حالیکه رخساره هایش از فرط هیجان گل انداخته بود، با همان وضع لاابالی همیشگی خود گفت: آیا خبر دارید؟ ناوادم اکنون بمن گفت: مستر ری دینگ را توقیف کرده اند.

گریز لدا مثل اینکه بگوش های خود اعتماد نداشته باشد، فریاد زد:

لئورانس را توقیف کرده اند؟ غیر ممکن است و این اشتباهی احمقانه است.

ماری بمقتضای عادت به خوشحالی گفت: خیر خانم، اشتباه نیست. مستر ری دینگ خودش دیشب نزد پلیس رفته و در حالیکه تیانیچه خود را روی میز می گذاشتند اعتراف کرده است که من مرتکب جنایت شده ام.

ماری این را گفته در حالیکه نگاهی پیروزمندانه بمن و همسرم می افکند، بیرون رفت و من و گریز لدا باتگاهی حیرت زده بهمدیگر خیره ماندیم.

گریز لدا گفت: این نمیتواند حقیقت داشته

شعر

در یاد دل

دور از تو هر شب تاسحر، گریان چو شمع محفلم
تا خود چه با شد حاصلی، از گریه بی حاصل

چون سایه دور از روی تو، افتاده ام در کوه تو

چشم امیدم سوی تو، وای از امید با ظلم

از بسکه با جان و دلم، ای جان و دل آمیختی
چونبخت از آغوش گل، بوی تو خیزد از گلم

لبریز اشکم جام کو، آن آب آشفام کو
و آن مایه آرام کو، تا چاره سازد مشکلم

در کار عشقم یار دل، آگاهم از اسرار دل
غافل نیم از کار دل، و زکارد نیا غافل

در عشق و مستی داده ام، بود و نبود خویشتم
ای ساقی مستان بگو، دیوانه ام یا عاقل

چون اشک میلرزد دلم از موج گیسوی، رهی
با آنکه در طوفان غم، دریا دلم دریا دلم

از نهایت تاریکی

ای با امید آمدنت سر سبز

باغ نگاه زرد پرستو ها

از چاه

از نهایت تاریکی

بیرون ای

- با گونه ای فراخور خورشید صبحگاه -

درد سیاه چشم رسولان را

- در لحظه های تلخ،

در انتظار جاری -

با سرمه ای به روشنی (نیل)

میل سید نقطه پایان کش

ناصر امیری

نا کام

از خرم گل عطر ترا وام گرفتم
دیوانه و توفان زده ای ساحل امید
چون موج، در آغوش تو آرام گرفتم
سر گشته تراز باد صبا بودم و چندی
در سایه عشق تو سر انجم گرفتم
خوشبوی ترا ز یاس و گل یاسم تا
پروانه صفت از لب تو کام گرفتم
بایاد تو از دست غمت جام گرفتم
دور از تو میندار که هشیار نشینم
من راه تویی دانه و بی دام گرفتم
ای وحشی از دام گریزان به چه الفسون
داد دلی از گردش ایام گرفتم
با آنچه آزادگی و سر کشی آخر

از (بدر) گذشت و سرت ایلدوست سلامت

من دامن از توبه تا کام گرفتم

از: ترویج

لرغونی ادب

دعشق اور

شولی دوه سترگی می ستایه نور خلور اوس
خکه سر تندی وهم گدیم په شور اوس
ویری تیری مدام ستا په درگی پروت یم
یو وار نه شوم یاره ستایه مینه مو اوس
همیشه داستا په لوری منتظر یم
که نه راشی تور اوربل په ویغو خبو اوس
ستاله لوری ډیر پرظلمونه په ماخواردی
ودی سومه بی گناه د عشق په اور اوس
که په کم گفتار د زبه را خینی بد وی
په ویلیو توب نه وایم نور اوس
واره عمومی تپاه شه ستا په غم کی
خکه زاپم په نارو گدیم په شور اوس
زه احمد ستا په ماتم کی اوس حتمه
سینه سوی تشنه لب گدیم په شور اوس
احمد خبران

مینه

مینه خه د . مینه اور دی
 د مین په زړه کی شود دی
 مینه ژوند بختی انسان ته
 پورته بیا یی بی آسمان ته
 مینه خومره ښه مفهوم دی
 چی خوبی بختی جهان ته
 مین هر چا سره ورور دی
 د مین په زړه کی شود دی
 مین ښه دی چی صادق وی
 محبو با لره واسق وی
 که دانه وی خوشی زور دی
 د مین په زړه کی شود دی
 چی مین غوږ په وطن وی
 ورته گران له خان مسکن وی
 سر و ماله خنی تیر و ی
 نور خه نه دی بس عاشق وی
 نور خه نه وینی په سترگو

سپیده عشق

آسمان همچو صلیحه دل من
 روشن از جلوه های مبتابست
 امشب از خواب خوش گریزانم
 که خیال تو خوشتر از خوابست

غیره بر سایه های وحشی بید
 میخزم دو سکوت بستر خویش
 باز دنبال نغمه ای دلخواه
 مینهم سر بروی دفتر خویش

تن صدا ترانه میرقص
 در بلور ظریف آوایم
 لذتی ناشناس و رویا رنگ
 میلود همچو خون بر گهایم

آه گوئی زخمه دل من
 روح شبگرد مه گذر کرده
 یانسیمی درین ره متروک
 دامن از عطر یاس تر کرده

بر لبم شعله های پوسه تو
 میگویند چو لاله گرم نیاز
 در خیالم ستاره پر نود
 میدرخشد میان هاله راز

ناشناس درون سینه من
 پنجه بر چنگ ورود میساید
 عمره نغمه های موزونش
 گویا بوی عود میاید

آه ، باور نمیکنم که مرا
 باتو پیوستنی چنین باشد
 نگه آندو چشم شود افکن
 سوی من گرم و دلنشین باشد

بیگمان ز آن جهان رویایی
 زهره بر من فکنده دیده عشق
 مینویسم بروی دفتر خویش
 «جاودان باشی ، ای سپیده عشق»

دایشیا افتخار

ای زموږ ښکلیه وطنه !
 ای دلوۍ افغان مسکنه !
 ته خانکو دمیر نویی !
 ته ټا بوبی دزمووی !
 روز نځای دتوریالویی !
 دمیرویس ، احمد مدفته
 ای زموږ ښکلیه وطنه !

هغو بونه دی باللی
 تاریخونه دی چوپ گری

غلیمان دی خپل دڼلی
 ای دلوۍ عظمت څښتنه !
 ای زموږ ښکلیه وطنه !

تابه ستایو ، تابه پالوژموږ خانه
 افتخار دایشیای زموږ گران افغانستانه
 ترخپل مال و سر به تیر شونه له تانه
 په سر ووینو په دی ساتوژموږ تنه !
 ای زموږ ښکلیه وطنه !
 ای دلوۍ افغان مسکنه !

(شپین)

رسوا تر از من

ای در طریق عاشقی شیدا تر از من
 شعر لطیف سا دهات زیبا تر از من
 در عشق شورا نکیز ، من رسوا تر از من
 اماتویی ای نازنین رسوا تر از من
 چشم هو سبار تو گو ید رازمستی
 لعل لب جانپور ت کو یا تر از من
 خواندم بشوق وصل شعر د ل نوازت
 گفتی که تنها بی تو وتنبا تر از من
 گر را ست میگو یی قدم بر چشم مانه
 بگذار بار باره ای با لا تر از من
 آغو ش بگشا لعل شیر یمن بر لبم نه
 در عشق اگر با شی توبی بر وا تر از من
 در بستری ینها ن شو یم از چشم اغیار
 لکن تو گردی محو وفا پیدا تر از من

د «عقيليه کلي بشپړ وړان شوی دی. موږ وينو چه په منظمه تو گه داسرا ييليانو له خوا بمباری شوی دی. خود دغه کلي دشپاړس زرو پنځه سوه تنو استو گنو څخه يی يواځی اوه زره تنه بيرته راستانه شول. پداسی حال کی چه شپاړس زرو پنځه سوه تنو دغه کلي پر يښی و. پرون موږ ته تلفون وشو اودهغه په ترڅ کی يی موږ ته ويل: «ستا سو له رپوټ څخه تشکر په عقيليه کښی ټول وړانو ونکی عمليات بندشویدی وړانی او تخريب بند شوی وڅو هغه خلک چه بيرته را ستانه شول پرته له کنډوالو څخه يی بل څه ونه ليدل. داوحشت او وحشيگری ده...»

هغه بيا د ۱۹۶۷ کال د جولای د دويمی ورځی په خاطرو کی وايی: «وروسته تردی چهما هغه ماشومان چه د بمونو په وسيله ټوټی ټوټی شوی او وژل شوی و، وليدل، اوس ماشو مان اونارينه خپلو کڼو والو ته هک حيران پاتی دی داور شيلم زړی او له خاطرو څخه دکسی ډبري تردی وروسته ماته هيڅ رنگت او مفهوم نلری. نه هن دعسبي هديره اونه ديوال اونه هغه جو مات ...»

زه يواځی په هغه ډار او وحشت بانندی فکر کوم چه په ټولو با نندی حکم چلوی اود ټولو غو نی سپڅ شويدي. زه دنيا دمانو په مرگ با ندی فکر کوم بی لدی چه فکر وکړم هغوی څوک دی. اوس اوس موږ دلته دهغه څه شاهد يو چه اسرا ييلي مقامات نه غواړی موږ يی ووينو يعنی، دری عربي کلي چه دهوس په اساس اوبخيل سربيه دينا ميتو بانندی وړان شویدی، اود اسرا ييلي ټانکو نو تر څنځيری او څيرو ازابو لانندی په اړت ميدان بانندی بدل شويدي. او يوځی تراکتورونه چه بيره لری دغه عربي خاوری دخپلو پخوا نیو ټولو څخه پنځلس کيلو متره، وره پوری ونيسي اوویي کړی او په اسراييلي گروندو کی يی گډی کړی. ښاغلی مايکل آدامس په خپلی مقالی کی چه عنوان يی دی، «په عربي آواره گانو بانندی دزور اوستم حکومت» او په گاردين کی خپره شويده ليکی، «ماخلور کاله په آلمان کی ديوه يوځی بندي په تو گه تير کړیدی. او ډبري همکی ټپتی می

هغه څه چه پدی کو چنی جزيره کی يی رپوټ ورکړی شو يدی يو شمير جنايتو نه دی چه صهيونيستي استعمار يی په فلسطين کی کوی او دا له خپل فاشيستي واقعيت سره صهيونيزم دی نژاد پالنه. قهر او ترور يزم.

اود ځمکو پراختيا غوښتنه. تاريخ دانسان دژوند له لومړی سره تر اوسه پوری دډيرو غمجنو پيښو څخه کیسی کوی او فلسفين لدغو غمجنو پيښو څخه يوه پيښه ده چه موږ يی اوس دسر په سترگو وینو. دا حقيقت لری چه د فلسطين مساله له هغو گڼو مسالو څخه يوه مساله ده چه امير ياليزم منځ ته راوړی ده، خو سره لدی به هم دغه مساله په هغه فاجعی څخه ډکدریځ کی چه داستعمار په تاريخ کی يی موندلی دی، ايکی يواځی او منحصر په فرد پاتی شی.

د فلسطين مساله په خپل اصل کی دخلکو دبی کوری، شړل کيدو او دهغه داصلي او سيدو نکو دلالها. نده کيدو مساله ده. اودغه لالهانندی او بی کوری، د

دالف، الف ژباړه

دويمه برخه

خو چه خس ټول کړو

مسیحی خور ماری ترزدخپلو هغو خاطرو په ترڅ کی چه ۱۹۶۷ کال دجون دمیاشتی په نهمه پوری اړه لری، بیا ليکی: «موږ جنازی په يوه کراچی کی هديری ته ليردوو او کله چه د هديری درشل ته رسيدو نو د لاریو يوکاروان موځی ته راځی چه چه موشی دایان او لویي اشکول او نور اسراييلي مشران بکی ناست دی.

زه د هغو جنازو له مخه ځادر لری کوم چه په کراچی کی برتی دی اوبه ښځو او ماشومانو پوری اړه لری په همدی شيبه کی يو اسراييلي سپاهي چه ماشيندار ور سره دی په مابانندی برید کوی او چيغه کوی: «په جنازو او مړو بانندی ځادر بير ته وغورځوه.»

زه بيرته په جنازو بانندی ځادر غورځوم. ددی دپاره نه چه دعسکر امر می په ځای کړی وی، بلکه دجنا ژود درناوی اواحترام دپاره. اوددغه غبر، خيره او دوینا طرز د ۱۹۴۰ کلو نو ته بیا ورکاږی.

ماری ترز به خپلو هغو خاطرو کی چه د ۱۹۶۷ کال دجون په ۱۵ پوری ورځی په خاطرو کی ليکی:

فصل حافظ

شنبه

۱- سرفرازم کن شبی از وصل خودای نازنین
تا منور گردد از دیدارت ایوانم جوشم
۲- هزار دشمنم گرمی کند قصد هلاک
گرم تو دوستی از دشمنان ندارم بک
۳- تویی که خوبی ز آفتاب و شکر خدا

که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل
۴- از ثبات خودم این نکته خوش آمد که به جور
در سر گوی تو ازینای طلب نشستیم
۵- جو شاهدان چمن زیر دست حسن تواند

گرشمه بر سمن و جلوه بر صنوبر کس
۶- عمر بگذشت به بی حاصلی و بیهوشی
ای پسر جام میم ده که به پیری برسی
۷- یارب این آینه حسن چه جوهر دارد
که در او آه میرا قوت تاثیر نبود

یکشنبه

۱- هر آنکس را که در خاطر عشق دلیر باریست
سیندی گودر آتش نه که دارد کاروباری خوش
۲- می دوساله و محبوب چارده ساله
همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر
۳- هست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت

به تماشای توانوپ قیامت بر خاست
۴- ز عشق ناتمام ماجمال یار مستغنی است
به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا
۵- درویش نمی پرستی و ترسم که نباشد

اندیشه آفرینش و پروای تو ایست
۶- بلای گردان جان و تن دعای مستمندان است
که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه چین دارد
۷- باغبان گرینچ روزی صحبت گل بایدش
برجای خار هجران صبر بلبل بایدش

دوشنبه

۱- دل کز طواف کعبه گویت وقوف یافت
از شوق آن حریم ندارد سر حجاز
۲- بوی بپود ز اوضاع جهان می شوم
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
۳- بعد از بنم چه غم از تیر کج انداز حسود

چون به محبوب گمان ابروی خود پیوستم
۴- از چشم زخم خویش میادت گزند زاینکه
در دلبری به غایت خوبی رسیده ای
۵- جو گل گر خورده ای داری خدا را صرف شکر کن

که قارون را غلظت داد سودای زر اندازی
۶- خوش هوایی است فرح بخش خدا یا بفرست
نازنینی که به رویش متی گلگون نوشم
۷- گوشوار زانو لعل ارچه گران دارد گوش
دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

سه شنبه

۱- کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم
۲- وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
که در طریقت ما کافر نیست رنج بین
۳- گرچه میگفت که زارت بکشم می دیدم

که تپانش نظری بامن دلسوخته بود
۴- تا چند همچو شمع زبان آوری کسی
پروانه مراد رسید ای محتسب خموش
۵- دیده بد بین بیوشان ای کریم عیب پوش

زین دلبرها که من در کج زندان می کنم
۶- تشنه بادیه را هم به زلالی دریا ب
به امید یکه درین ره به خدا میداری
۷- تخم وفا و مهر درین گنجه کشتزار
آنکه عیان شود که بود موسم درو

چهارشنبه

۱- فتوی پیر مغان دارم و قولی است قدیم
که حرام است می آنجا که نه یار است ندیم
۲- زلف دلدار جو زمار همی فرماید
بروای شیخ که شد بر تن مخرقة حرام
۳- نصیحت گوش کن جاناکه از جان دوستتر دارد

جوانان سعاد تمند پند پیر داننا را
۴- دلت به وصل گل ای بلبل سحر خوش باد
که در چمن همه گلپانک عاشقانه تست
۵- طبیعت عشق مسخادم است و مشق لیک

جو درد در تو نبیند گرا دوا بکند ؟
۶- زاهد از مابه سلامت بگردگان می رمل
دل و دین می برد از دست بدان سان که میرس
۷- دل حافظ که به دیدار تو خورگرفته بود
ناز پرورد وصال است مجنوا آزارش

پنجشنبه

۱- چرخ برهم زنم اگر غیر مرادم گردد
من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک
۲- هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمت
۳- خواهم شدن به بستان چون غنچه بادل تنگ

و آنجا به نیکنا می برافتم دریدن
۴- ساعتی ناز فرما و بگردان عادت
چون به برستیدن ارباب نیاز آمده ای
۵- پاک و صافی شو از جاء طبیعت بدر ای

که صفایی ند هد آب شراب آلوده
۶- در آن شمایل مطبوع هیچ نتوان گفت
جز این قدر که رقیبان تند خو داری
۷- حافظ هر آنکه عشق تو ز بند وصل خواست
احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست

جمعه

۱- ز خوف عجزم ایمن کن اگر امید آن داری
که از چشم بداندیشان خدایت در امان دارد
۲- صوفی که بی توتوبه زمی گردد بود دوش
بشکست عهد چون در میخانه دید باز
۳- چشم برای ساقی و گوشت به قول جنگ

فالی به چشم و گوش درین باب می زدم
۴- اگر چه مرغ زیرک بود حافظ در هواداری
به تیر غمزه صیدش کرد چشم آن گمان ابرو
۵- شده خراب و بدنام و هنوز امیدوارم

که به همت عزیزان برسم به نیکنای
۶- راز درون پرده ز زندان مست پرس
کاین حال نیست زاهد عالی مقام را
۷- ساقی بیا که هائف غیم به مزده گفت
با درد صبر کن که دوا می فرستمت

زندگانی

مغاره نشینان

درار تفاعات

می باشد و علت موجودیت این پناهگاه های کوهی در ارتفاعات یکی ترس انسان از غافل گیر شدن از شر حیوانات درنده بود و دیگری داشتن چشم انداز وسیع روی جلگه به قصد پیدا کردن و تعقیب کردن شکار.

این باشگاهی باستانی انسانی رو به جانب جنوب بوده و تقریباً از آفتاب و روشنی کافی بر خوردار بود و همچنان در اثر داشتن آفتاب گرمی و حرارت همیشگی داشت.

هكذا نسبت بودن آب در نزدیکی این مغاره حیوانات به کثرت در گرد و نواح آن تردد داشتند.

علاوه بر این مزیتها که تذ داده شد در روز گاران قدیم که مغاره مسکون بود مواد سوخت در ماحول آن بوفرت پیدا میشد و نیاز باشندگان مغاره را مرفوع میساخت از روی تحقیقات دانشمندان امریکایی «داکتر کارلتن کون» چنین معلوم می شود که غار قره کمر شکل (نیم دایره) را داشته زمین آن از قشر متنوع پوشیده شده بود که عمیق ترین آن رنگ نصواری داشت.

همچنان غار قره کمر در دوره های فلز نیز مسکون بوده و باشندگان آن درین دوره ها به رمه داری و گله بانی و نگهداری رمه های بز بیشتر مشغول بوده اند و آثار استخوان حیوانات و افزار سنگی، چقماقی

در مراتب اولیه زندگانی بشر دوره های قدیم حجر مرحله ایست که آنرا دانشمندان و مؤرخان (دور - زندگانی بشر در مغاره های مرتفع) تعبیر کرده اند و قراریکه وضع اقلیمی و جغرافیایی کشور ما نشان میدهد انسانها درین دوره پناهگاههای خوبی در دامنه ها و کمره های کوهها داشته و مخصوصاً دامنه های جبال هندوکش که دارای جلگه های وسیع بیشتر بود برای این نوع - زندگانی مساعدتر بود.

مغاره نشینی تقریباً از پنجصد هزار سال قبل باینطرف در صحنه آسیا معمول بوده و بعد از چهارصد و پنجاه هزار سال، در پنجاه هزار سال اخیر باشکریان مغاره نشینی در بسیاری از نقاط آسیا از جمله در چین، افغانستان و ایران مواجیه می شویم. در افغانستان مخصوصاً نام (قره کمر) با مراتب زندگانی مغاره نشینی در ارتفاعات سابقه بس تاریخی دارد.

غار قره کمر در هشت میلی شمال ایبک (سمنگان) بین بلخمری و تاشقورغان در مجاورت قریه ای واقع شده به نام (سرکار) و در دامنه های جنوب شرقی کوهی قرار دارد که برده کده مذکور حاکم است.

ارتفاع این مغاره از سطح دریا دوهزار و سه صد فوت و بلندی آن از روی جلگه چهارصد و پنجاه فوت

و غیره هویدا میسازد که غار مذکور در تمام طول دوره قدیم حجر مسکون بوده ولی از زندگانی دوره جدید حجر در آن اثری نیست.

همچنان طبق تحقیقات (دانشمندان و مؤرخان) از روی آثار مکشوفه که عبارت از افزار سنگی، چقماقی، استخوان حیوانات، خاکستر و ذغال می باشد، چار دوره زندگانی را در غار مذکور میتوان تعیین کرد.

و معلوم است که پناه گزینی و غارنشینی هر چار دوره شکاری بوده اند و افزار سنگی بسیار ابتدائی داشتند که شکل طبیعی آن دست نخورده بوده و نظایر آنرا در اروپا، امریکا و آسیا معمولاً به اصطلاح علمی افزار دوره «موسترین» می خوانند.

نظیر این افزار در مجاورت قره کمر در دامنه های کوه هم دیده شده است.

باشندگان غار قره کمر در مراحل بعدی زندگانی به شکار حیوانات ماهر تر شدند و روشن کردن آتش را با سنگ چقماق فرا گرفتند و آنگاه توانستند لانه و گاه شانه خود

را با در دادن آتش گرم نمایند. افزار آنها هنوز شکل طبیعی و ابتدائی نسی داشت و از پارچه های گران وزن و تیز چقماق استفاده مینمودند.

با وجودیکه درین مغاره پارچه های تیکر ظروف سفالی نیز به مشاهده رسیده ولی باینهم میتوان حدس زد که زندگانی در غار قره کمر روی حساب مراتب ابتدائی بمراحل اولیه عصر قدیم سر می خورد.

و تحقیقات باستان شناسان نشان میدهد که دوره های قدیم و متوسط جدید در افغانستان تقریباً در حوالی ده هزار سال قبل در اکثر نقاط آسیای غربی حیسات دوره مغاره نشینی تمام شده و دوره جدید حجر آغاز گردیده و این نتیجه بدست می آید که بالاخره در حوالی ده هزار سال قبل شکار با هندوکش بطرف جلگه ها و وادی های رودخانه های بزرگ به حرکت افتادند و در آنجا ها برای خود جای بود و باش تهیه نمودند و زندگی مغاره ای را ترک نمودند.



میوش خواننده خوش آواز کشور با همکاری استاد هاشم بر محبوبیت خود افزوده است

کیهان نوردان

کیهان نورد ناسا :

بتاریخ ۲۳ جنوری ۱۹۳۰ در آمریکا -
واقع اروکلاهما متولد گردیده .

تعلیمات ابتدایی و ثانوی خود را در مکاتب
اوکلاهما پایان رسانیده بعدا در سال ۱۹۵۱
از پوهنتون بیت تست اوکلاهما بدریافت
درجه علمی بچلراف ساینس در رشته تعلیم
و تربیه موفق گردید . در سال ۱۹۶۰ درجه
ماستری خود را در شق ریاضیات از پوهنتون
دولتی اوکلاهما دریافت نمود .

عضو ایروفرس اسوسیشن - جامعه تحقیقات
امریکا - جامعه پیلوتهای آزمایشی و سکما
ایکش میباشد .

وی مدال خدمات برجسته ناسا ۱۹۷۴ و
جایزه کارنامه های برجسته جی اس سی
(۱۹۷۰) - برنده مدال هوایی - مدال تحسین
قوای هوایی - مدال قوماندانی پیلوت کیهانی

مدال خدمت دفاع ملی و مدال طلایی سپهر
شیکانو (۱۹۷۴) .

قبل از آنکه پوگ یک دگروال قوای هوایی
بمرکز لندن جانسن بیاید وی در پایگاه هوایی
ادواردز واقع کالیفرنیا ایفای وظیفه مینمود.
پوگ از آغاز اکتوبر ۱۹۶۵ تا آنوقت بحیث معلم
در مکتب ایروسیس ریسرچ پایلت سکول کار
میکرد .

در سال ۱۹۵۱ وی شامل قوای هوایی شده
بود و یکسال بعد آن به گرفتن کمیشن یعنی
وظیفه فعال موفق گردید .

پوگ با متجاوز از پنجاه نوع طیاره امریکایی
وانگلیسی بسوی تخصص آشنایی حاصل نمود
و یک معلم باصلاحیت در پرواز ملکی میباشد.
پوگ در اکادمی قوای هوایی امریکا واقع در
کالرادوسپرنگزین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۳ به
حیث معلم ریاضیات ایفای وظیفه کرده است.
در سپتمبر ۱۹۶۵ وی دوسال را بحیث پیلوت
آزمایشی در وزارت هوانوردی برتا نیه تحت
پروگرام تبادل بین قوای هوایی امریکا و

برتانیه تکمیل نمود. وی قبل از مکتب پیلوت
های آزمایشی در فارن برل انگلستان نیز
فراغت حاصل کرده بود .

پوگ در حدود ۴۸۰۰ ساعت پرواز کرده
است که ۳۸۰۰ آن در طیارات جپ بوده است.
دگروال پوگ یکی از ۱۹ نفر کیهان نوردی
است که در سال ۱۹۶۶ از طرف (نا سا)
(اداره ملی کیهان نوردی امریکا) انتخاب
گردیدند. وی بحیث عضو عمده تقویتی کیهان
نوردان اپولو ۷-۱۱ و ۱۴ اجرای وظیفه کرده
است .

پوگ پیلوت سکای لاب چهار بود (سومین
و آخرین دیدار از ورکشاپ مداری سکای لاب)
که بتاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۳ پرتاب گردید
و ماموریت آن بتاریخ ۸ فبروری ۱۹۷۴ پایان
یافت .

این طویل ترین پروازی بود (۸۴ روز یک
ساعت و پانزده دقیقه) که در تاریخ پرواز های
کیهانی حامل بشر تاکنون انجام یافته است.
درین پرواز ۳۴۹۵ میلی که ریکارد قایم نمود

جرالد کار قوماندان و دکتور ادوارد گبسسن
(پیلوت علمی) با پوگ همراهی نمودند .
در طول ۱۲۱۴ مرتبه چرخش خود به دور زمین
ایشان ۵۶ تجربه - ۲۶ دیما تریشن علمی
۱۵ آزمایش ترتیبات داخل سفینه و ۱۳ تحقیق
دانشجویی را انجام دادند . در طول همین مدت
ایشان معلومات وسیعی راجع به ذخایر زمین
توسط کوره ها و وسایط خاصی که به ایسن
منظور در سفینه تعبیه شده بود بدست آوردند
و همچنین برای مدت ۳۳۸ ساعت تو سسط
تلسکوپ مخصوص اپولو (عملیات داخل کره
آفتاب را مورد مطالعه قرار دادند) .

دگروال پوگ و همراهان سکای لاب چهار
ریکارد جهانی زیست رادر کیهان که عبارت
است از ۲۰۱۷ ساعت پانزده دقیقه و ۳۲ ثانیه
مشتراک قایم نمودند که از آن جمله پوگ ۱۳
ساعت و ۳۱ دقیقه آنرا در خارج ورکشاپ مداری
سیری کرده است .

دولتی مطبعه

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library